

12-08-09

امان الله خان، قهرمان بد شانس مدرنیزاسیون:

بخش سوم

"امان الله خان، قهرمان بد شانس مدرنیزاسیون" عنوان فصل نهم کتاب مشهور "ظهور افغانستان معاصر" رساله دوکتورای گریگورین پروفیسور تاریخ دانشگاه تکزاس آمریکا میباشد که در سال 1969 به زبان انگلیسی چاپ شده است. در این عصر روحیه عدم اعتماد به نفس که سر به آستان بیگانگان ماندن جزء "افتخارات ملی" شده است و آزادی و استقلال ما با گرفتن یک کرسی بی ارزش از همه بیشتر و بیشتر توسط مکتب رفتگان ما معامله می شوند، ترجمه این اثر تحقیقی یک دانشمند خارجی را که نمادی از استقلال خواهی یک شاه وطنخواه و روشنفکران متعهد بر علیه استعمار و نیروهای تاریخ زده کشور ما را به نمایش میگذارد، به مناسبت فرارسیدن نودمین سالروز استقلال به همه روشنفکران و منورین وطنم که هنوز هم به روح استقلال خواهی و مبارزه علیه جهالت و سیاه اندیشی ایمان دارند و حاضر به هیچگونه معامله گری و سر گذاشتن در پای دارندگان زر و زور نیستند، تقدیم می کنم.

صحت عامه و ارتباطات

به شکل مقایسوی دستاوردهای زمان حاکمیت امان الله در زمینه صحت عامه کم بود. چند نفر داکتر ترکی و آلمانی به ستاف شفاخانه کابل اضافه شدند و یکی از قصرهای حبیب الله، به مرکز درمانی بیمارهای توبرکلوز تبدیل شد. به میوه فروشان پغمان دستور داده شد که میوه های شانرا به وسیله پشه خانه از مگس ها به دور نگهداری کنند، اما این معلوم نیست که آیا کمپاین ضد ملاریا سابق و کانال کشی باتلاقیها ادامه پیدا کردند و یا خیر.¹¹⁸ مهمترین پیشرفت در زمینه صحت عامه کوشش امان الله برای تحت کنترل درآوردن معالجه در زیر اثر دولت بود. یک سیستم امتحان و دادن برگه مجوز بنیان نهاده شد تا تلاش شود که از اعمال حکیم های بیسواد جلوگیری شود و بر اساس یک مجموعه حقوقی در سال 1924 آنهایی که در اثر جهالت دواي غلط میدادند مجازات می شدند و برگه مجوز آنها از ایشان گرفته می شد.¹¹⁹ در سال 1923 یک هیئت بهداشتی آلمان، دو شفاخانه، یکی به مردها و دیگری به زن ها باز نمودند.¹²⁰ به صورت عموم چند پیشرفتی که صورت گرفت منحصر به کابل می شد و تأثیرات آن خفیف بود. کمبود داکتر، کمبود امکانات و وسایل طبی، و نادیده گرفتن همیشگی قواعد اساسی بهداشتی مشکل عمده و دایمی بود. امان الله از اهمیت ارتباطات خوب، کاملاً واقف بود. از جمله کارهای او توسعه تلیفون و تیلگراف بود. او آشکارا شخصاً تلگراف از روسیه و دیگر وسایل را از بریتانیا برای برقراری خط رابط بین کابل و هرات بدست آورد. ارتباط تلگرافی بین پشاور و کابل نیز برقرار شد.¹²¹ سرویس پستی، تیلگرام و تلیفون به شکل بدوی باقی ماند و جاده ها تا هنوز در وضعیت بدی قرار داشتند. بعد از آنکه افغانستان به اتحادیه پستی در سال 1927 پیوست، امان الله یک انجنیر فرانسوی را اجیر نمود که سیستم پست، تلگراف و تلیفون داخلی را دوباره سازماندهی کند.¹²² اما شورش سال 1928 کار این پروژه را به پایان رساند. در سال 1925 نخستین دستگاه رادیو افغانستان شروع به کار کرد، و در سال 1927 دولت برای خرید دو دستگاه 100 واتی فرستنده مشابه

به همان دستگاهی که استفاده می شد، با یک شرکت فرانسوی شروع به مذاکره کرد، این پروژه نیز بعد از شورشهای سال 1928 به فراموشی سپرده شد.¹²³

در سال 1924 برای نخستین بار پنج هواپیما دولت افغانستان که از روسیه خریداری شده بودند، توسط پیلوت های روسیه به کابل نشستند، دولت به این موفقیت یک ارزش مهم تاریخی قابل شد.¹²⁴ بعداً دولت سه فروند هواپیمای یونکر (Junker) از آلمان و دو فروند هوا پیما از بریتانیای کبیر خرید،¹²⁵ و 25 جوان افغان به روسیه و آسیای مرکزی جهت آموزش پیلوتی (خلبانی) فرستاده شدند.¹²⁶ در سال 1928 خط هوایی بین آسیای مرکزی و افغانستان تاسیس شد و همین سال نخستین پرواز بین کابل، قندهار و هرات توسط یک پیلوت روسی اجرا شد.¹²⁷ در یک مرحله امان الله به فکر تاسیس یک نمایندگی هواپیمایی غیر نظامی شد و با ترکها که خود تجربه چنین نمایندگی های را داشتند، در این مورد صحبت نمود.¹²⁸

در زمان حاکمیت امان الله جاده های کهنه بازسازی شدند و برنامه سنجیده شد که مرکز را با ترکستان افغانستان، پشاور و قندهار وصل کند. در قندهار، جلال آباد و هرات هتل ساخته شد.¹²⁹ هنگامی که این برنامه ها پیاده شدند، امان الله تصمیم گرفت که سیستم خط آهن را در کشور تاسیس کند. تمایل و شیفتگی او به خط آهن در واقعیت به این مسئله پاسخ میدهد که چرا در این سالها در مورد جاده سازی نسبتاً کم کار شد. به انجیرهای امریکایی، آلمانی، و روسی به زمانهای مختلفی وظیفه داده شد که امکانات یک خط رابط با هندوستان و آسیای مرکزی را مطالعه کند.¹³⁰ اما هر گونه سیستمی که انتخاب می شد، امان الله از این نصیحت عبدالرحمان که اول باید جاده های داخل ساخته شوند، پیروی میکرد: کابل مرکز فعالیت هر سیستمی بود و بعدتر جاده ها تا به مرزها توسعه یافتند. امیر یک ایستگاه کوچک در کابل تاسیس نمود و پروژه ای برای کشیدن یک راه بین کابل و دارالامان که او امیدوار بود که آنرا پایتخت جدید خود بسازد، به راه انداخت.¹³¹ به مانند عبدالرحمان و شیر علی ایده ساختن یک پایتخت، یک میتروپول «شهر بزرگ» در نزدیک کابل محرک اصلی امان الله بود.¹³² چیزی که او ظاهراً در فکر داشت، داشتن یک «شهر - علمی» (scientific city) بود. هنگامی که سنگ تهاداب دارالامان را گذاشت، او ابراز کرد که رشد و نمو یک جمعیت سالم شهری مشروط به رعایت و پیروی از قانون بهداشتی است و نظافت جاده ها و آب تمیز از ضروریات اساسی اند.¹³³

امان الله با مشکلات کلان اداری روبرو بود. کارمندان آموزش دیده کم بود، فساد اداری و بی کفایتی از نگرانی های عمده بودند. فارغان مکتب حبیبیه بخش اعظم کارمندان اداری را در دوران جنگ جهانی اول تشکیل میدادند و مجریان دستگاه سیاسی حکومت بودند. حکومت تلاش نمود که سطح مؤثریت را با تاسیس کورسهای آموزشی بالا ببرد سعی نمود که با این دستور تمام خدمتکاران غیر نظامی دولت مالکیت دست داشته شانرا در لیستی درج نمایند، تا از فساد اداری جلوگیری نمایند.¹³⁴ نخستین افغانهای که به خارج آموزش دیده بودند، در سال 1927 به کشور برگشتند، با وجود آن، هم سطح آموزش و هم تعداد آموزش دیدگان غیرکافی بود.¹³⁵ قوای پولیس نیز غیرکافی بود، امان الله تمایل داشت که به سیستمی برگردد که همه باشندگان قریه را به شکل دسته جمعی مسئول جنایتی می دانست که در همان منطقه صورت میگرفت، اقدامی که در اصل برای حفظ و امنیت جاده های تجارتي طرح ریزی شده بود.¹³⁶ دولت به اعضای شورای محلات در مناطق مختلف کمک می نمود. اعضای شورا که شامل فرماندهان نظامی، ولسوال یا علاقه دار، و تجار مشهور منطقه می شد، مسئول مشکلات اجتماعی و امنیتی بودند.

مشکلات اساسی ساختار اداری به همان زیادی دوران حبیب الله باقی ماند، گرچه حبیب الله کشور را به شش ولایت تقسیم نموده بود، امان الله آنرا به پنج ولایت تقسیم کرد: کابل، قندهار، ترکستان افغانستان، هرات و بدخشان. به مانند سابق هر ولایت به ناحیه های کوچکتری تقسیم می شد.¹³⁷ امان الله به سنترالیزه کردن (متمرکز کردن) و نهادینه کردن دستگاه اداری و قضایی ادامه داد، روندی که در زمان حاکمیت عبدالرحمان آغاز شد و به وسیله حبیب الله ادامه پیدا کرد. تحت سرپرستی حاکم ها، سیستم قضایی به وسیله قاضی ها و مفتی های معاشخور حکومت اداره می شد. امیر پیوسته تلاش می نمود که دربار را آخرین دادگاه و محل درخواست ها بسازد، او یک روز در هفته را به رسیدگی به این موضوع و شنیدن مشکلات قانونی و اداری اختصاص داد.¹³⁸

بین سالهای 1921 و 1925 تلاشهای صورت گرفت که قانون جنایی را بدون بسازد. نتیجه آن قانون جزایی 1924-1925 بود. امیر آشکارا قصد داشت که تمام اداره قضایی را تحت کنترل مستقیم و بلافاصله سلطنت بیاورد، همانطوری که از مقدمه این قانون پیداست: «چنانچه اجرای مجازات جرایمی که مستقیماً بر علیه حکومت واقع می شوند بدولت عائد است، همچنان از جمله ای جرایمی که بر علیه یک شخص بوقوع برسند، تحدید درجه تعزیزات آن هم که تابع تنبیه شرعی و سیاسی باشند بدولت عائد بوده... (این جمله اصلی است و نه ترجمه، و بدون کم و کاست مستقیم از خود مقدمه این قانون رونوشت شده است. مترجم).»¹³⁹

قانون جدید دارای 308 ماده بود و جرم را به سه دسته تقسیم میکرد: جرم (وخیم) و جدی مانند، زنا یا بی عفتی، استفاده از مشروبات الکلی و دزدی که برای آن قبلاً توسط قانون اسلام حد جزا تعیین شده است. جرم بزرگ به مانند قتل و جراحت بدنی یا جسمی که برای آن هکذا قانون قصاص وضع شده است، و جرم کوچک که برای آن جزای عمومی و نمونه (تعزیز) توسط خود همان محل تعیین میشود. یک نوآوری این بود که به زندانیان اجازه میداد که از دولت تقاضای تخفیف مجازات و یا آزادی شانرا بکنند. از این زندانیان خواسته می شد که ثابت سازند که واقعاً اظهار ندامت می کنند و می خواهند که به زندگی عادی برگردند، بر علاوه آن می بایست که کسی شهادت بدهد و تصدیق و تضمین کند که مجرم دوباره به داخل اجتماع پذیرفته می شود. دستور آزادی برای زندانیان با قید یکساله توسط حکام ولایات می توانست که تصویب شود، در مورد آنهایی که قید شان بیشتر از یک سال بود باید که وزارت عدلیه (سه تا به ده سال را) و یا هم وزارت عدلیه و هم امیر (بالای ده سال را) تصمیم می گرفتند. یک نوآوری دیگر در ماده 26 بود، که در آن می نویسد: «افراد زیر پانزده سال مسئول جرایم شان نیستند و باید به پدر و مادر شان برگشتانده شوند. بالای پانزده سال مسئول می باشند، اما نباید که تا هفده سالگی مجازات شوند. اگر مجرم زن باشد، آخرین سال مسئولیت او پانزده سالگی است و می تواند که از 9 سالگی هم باشد. اگر زن حامله باشد و یا دیگر علایم بلاغت در او هویدا باشد، او مسئول می باشد.»¹⁴⁰

یک تعداد زیادی از مواد قانون مربوط به حقوق مدنی و حقوق مالکیت می شدند. افسران پولیس در صورتی که برای اعتراف گرفتن متوصل به شکنجه شوند، محکوم به برکناری از شغل شان می باشند. آنهایی که به متهمین جزای بالا تر از آن که در قانون درج می باشد، وضع می کنند، و آنهایی که بدون مجوز قانونی به خانه کسی داخل می شوند، محکوم به جزا می باشند. (ماده 226-228). اموال شخصی مردم باید که توسط دولت در مقابل زورگویی و چپاول حفظ شود. (ماده های 229-233)، سربازان و افسران دولت باید که اعاشه شان توسط دولت تادیه شوند و بیگاری غیرقانونی اعلام شد (ماده 234). موادی نیز علیه قمار، فالگیری و طالع بینی و آواز خوانان افسانه های مذهبی وضع شدند، قانون جزا حتا تلاش ورزید که از ستم بر حیوانات جلوگیری کند: ممنوعیت علیه به سر آویزان کردن مرغهای زنده در بازار، علیه پرندۀ جنگی و حیوان جنگی و علیه زیاد بارکردن حیوانات اعلام شد. (مواد 274، 277، و 279).

سلطنت قدرت عدم گسترش جزای مرگ به مجرمینی که از نظر قانون شرعی محکوم به مرگ نبودند، را حفظ کرد (ماده 15). یک ماده مبهم (ماده 22) تلاش نمود که یک سری عملکردها را از کنترل مستقیم دستگاه مذهبی بیرون کند: در حالتی که کسی در مسایل بازرگانی قانون شکنی میکند و یا سبب می شود که کسی دیگری قانون شکنی کند، مجازات بر حسب قانون شریعت عملی نمی شود. قانون جزا اکثر جرایم را زیر کته گوری (در ردیف) تعزیر آورد، ظاهراً تلاش این بود که قدرت صلاحیت یا اختیار قاضی را وسعت بخشد و به این شکل به سلطنت امکان داده شود که اتوریتۀ خود را گسترش دهد و به قدرتش در مداخله و یا کنترل پروسه های قضایی افزایش بدهد.

علیرغم این تلاشها برای مدرنیزه کردن سیستم قضایی و در چند مورد درخواست مصرانه برای بنیان نهادن قوانین بیشتر انسانی، قانون جزا خشن و باستانی باقی ماند، افرادی که به یک تا سه سال زندان محکوم شده بودند، باید به یک پا زولانه می شدند و به کار مصروف می گردیدند. «زندانیان آشکارا مهم» می بایست که به هر دو پا زولانه و مجبور به کار می شدند (ماده 10 و 11). شلاق زدن در ملای عام یک مجازات درخور باقی ماند، اگر مجرم زن می بود در این صورت به یک زن دیگر

اجازه داده می شد که سرش را در هنگام شلاق زدن محکم بگیرد. شلاق زدن تا وقتی ادامه داشت که پوست بدن خراب می شد (ماده 13) مردی که شراب می نوشید، چه در انظار عمومی و چه در خفا محکوم به 80 ضربه شلاق بود (مواد 86 و 87). مجازات سختی برای آنهایی که ماری جوانا، چرس، و یا تریاک می کشیدند (ماده 91) و برای آنهایی که به شکل حرفه ای و یا شوقی رقص می کردند، وضع شده بود، پدران و یا وابستگان شان که به اطفال اجازه رقص کردن را میدادند، محکوم به مجازات بودند (ماده 96). لواط با پسر بچه جوان می توانست که به هر دو طرف حکم مرگ را همراه داشته باشد، در صورتی که بچه بالای سن پانزده می بود (مواد 132-134). زنای یک مرد زن دار با یک زن شوهردار باعث حکم مرگ به وسیله سنگسار می شد (ماده 138). در صورتی که یک زن شوهردار با یک مرد مجرد رابطه جنسی نامشروع برقرار میکرد، مرد محکوم به 100 ضربه شلاق و زن محکوم به سنگسار می شد (مواد 134 و 142). اگر هر دو طرف مجرد می بود، هر کدام محکوم به 100 ضربه شلاق بود (ماده 143).

قانون جنایی تا به ساحة جنایت علیه دولت توسعه پیدا کرد (مواد 33-45). تحریر و تقریری که باعث آشوب در بین مردم شود، ممنوع گردید در ماده 54 در حقیقت نخستین قانون سانسور افغانستان دیده می شود. اعضای فرقه های ممنوعه اسلامی (ساجی، زندیق و بویژه قادیانی) محکوم به مرگ بودند (ماده 123).^{*} مجازات وضع شده شامل افراد خارجی که در افغانستان زیست میکنند، نیز می باشد (ماده 18).

اهمیت اساسی قانون نوین جزا در این بود که در حقیقت تلاشی بود که قدرت اختیارات سکولار را در مقابل دستگاه مذهبی بالا ببرد. افزون بر آن با جزییات قانونی برای جرم شخصی، سیاسی و اجتماعی تلاش ورزیده شد که منش های پشتونوالی نهادینه شود و بدین ترتیب دادگری قبایلی نیز تحت کنترل سلطنت درآید. با استقرار یک قانون یکدست و ثابت، امان الله نیز تلاش نمود که قانون شرعی و پشتونوالی را در هماهنگی قرار دهد، در این راستا دستورات کاملاً روشن مذهبی مخصوصاً در مورد میراث و انتقام گیری وجود داشت که بعضی از قبایل بدان توجه نمیکردند.¹⁴¹ تلاش دیگر امان الله در مورد رفورم اداری طرح یا مسوده نخستین بودجه ملی در سال 1922 بود که در آن نخستین نشانه از کوششی چشمگیری است که بین خزانه عمومی و سرمایه شخصی سلطان فرق قایل می شود.¹⁴² حتا مهمتر از آن انتشار اولین قانون اساسی افغانستان در سال 1928 بود. (رسماً نام آن، نظامنامه اساسیه دولتی افغانستان بود و در سالهای ما بعد آن اصلاح شد).¹⁴³ این قانون اساسی که شامل 73 ماده بود، نه تنها سیستم کابینه دولت را، بلکه سلطنت افغانستان را نیز نهادینه نمود. مواد 1 و 4 از قاعده سلطنت مطلقه و میراثی حمایت میکند که در آن اولین فرزند سلطان به حیث وارث سلطنت شناخته می شود. اسلام به حیث دین رسمی شناخته می شود، اما مجامع هندو و یهود از آزادی دینی برخوردار بودند (ماده 2). اما دستور این بود که آنها مالیات ویژه بپردازند و نشانه و علامت مشخص کننده بپوشند. امیر به حیث مدافع دین اعلام شد (ماده 5) و نامش می بایست که در خطبه ها و مراسم ذکر شود (ماده 7). قانون اساسی بردگی را ممنوع کرد (ماده 16) و آموزش ابتدایی را جبری و عمومی ساخت (ماده 68). خارجی ها از حق تدریس و گردآوری و پخش خبر تا وقتی که توسط خود دولت گماشته نشده باشند، ممنوع بودند (مواد 11 و 14). تبلیغات مذهبی (مسیونری) در داخل کشور ممنوع شد.

هر چند سلطنت در اساس یک نهاد مطلقه باقی ماند، اما قانون اساسی برای تاسیس یک شورای دولتی و شماری از نهاد های مشورتی را مدنظر گرفته بود (مواد 39 و 40). این ها شامل دربار شاهی که عمدتاً مرکب از نخبه گان افغان، غالباً رهبران قبایل درانی و خوانین ملکی که شامل خان ها و ملک ها می شدند و نمایندگی از مردم میکردند، تشکیل شده بودند. عضویت در دربار شاهی ارثی و وابسته

^{*} در 25 اگست سال 1924 یک شیخ قادیانی در افغانستان سنگسار شد و این عمل باعث اعتراض شدیدی در هند شد. در «امان افغان» تذکر داده شد که آزادی بی حد و مرز عقیدتی در افغانستان نمی تواند وجود داشته باشد. همزمان قانون مدارا در مقابل هندو ها، مسیحی ها و یهودها به تصویب رسید که طبق آن برای آنها تکس ویژه ای وضع شد و حق تبلیغ مذهبی برای شان ممنوع شد. مراجعه شود به: Linqitude de Le L Orieriet. Pp.38-39

به موافقت امیر بود، نصف اعضای خوانین ملکی از طرف شاه نامزد می شدند و بقیه آن از طرف مردم انتخاب می شد. برای تصمیم مسایل مهم و عاجل امیر می توانست که به اختیار و تصمیم خود جرگه را فرا بخواند، این در اصل توسعه روند سنتی بود که به وسیله سنت های قبایل تدارک یافته بود. امان الله اختیار تمام قوه اجراییه به شمول موقف قوماندان اعلی و دادگاه استیناف را در دست داشت. کابینه که شامل وزارت معارف، تجارت، حربیه، عدلیه، مالیه و داخلیه بود به وسیله او انتخاب می شد و در مقابل او پاسخگو بود، گرچه یک بار در سال می بایست که از کارروایی ها و دستاورد های شان در حضور مجلس شورای سلطنتی گزارش میدادند (ماده 27).¹⁴⁴

اصلاحات نظامی و اقتصادی

امیر ارتش را کاملاً در راستای خط ترکی و آلمانی دوباره سازماندهی کرد. او هم چنین کارخانه های جدیدی برای ساختن و فرآوری تجهیزات و وسایل نظامی تاسیس نمود، از آن جمله کارخانه تسلیحات می باشد که به وسیله شرکت کروپ (Krupp) آلمان مجهز شده بود.¹⁴⁵ افزون بر هواپیما های که از روسیه، آلمان و بریتانیا خریداری شده بودند، او در حدود 100 لاری و موتر کوچک از سیلان (در شمال غربی ایتالیا، مترجم) در سال 1928 خرید. هدف نهایی او ارتش مدرن با هشت لشکر بود.¹⁴⁶ همان گونه که ذکر شد، او بعضی از افغانها را به اتحاد جماهیر شوروی و آسیای مرکزی برای تعلیمات جنگی فرستاد، و تعداد دیگری توسط آموزگاران ایتالیایی تعلیم دیدند، که به این هدف به افغانستان آورده شده بودند، و یک تعداد دیگر با وجود آن به ایتالیا و فرانسه فرستاده شدند. دولت ایتالیا یک تیم مشاور و آموزگاران نظامی را بخاطر آموزش قشون نظامی افغانستان (سال 1927) به این کشور فرستاد و آلمان نیز چند آموزگار نظامی فرستاد،¹⁴⁷ نظارت و آموزش کلی ارتش افغانستان به افسران ترک اعتماد شده بود. مسئولیت اصلی به عهده یک هیئت نظامی به سرپرستی جنرال کاظم پاشاه رئیس اسبق ستاد ارتش ترکیه بود. علاوه بر آن حدود 50 افسر افغان جهت فراگیری تعلیمات بیشتر به ترکیه فرستاده شدند.¹⁴⁸ قبل از آن در سالهای 1919-1921 امان الله تلاش نمود که یک عده از افسران ترکی را که به سایبریا زندانی بودند و می خواستند دوباره به کشورشان برگردند، به خدمت بگمارد.¹⁴⁹ افسران افغان با لباسهای جدید ملیس شده بودند، که شامل کلاه قره قل، کمر بند سانبرون (کمر بند پهن، معمولاً از چرم که به شکل قطری از سمت چپ کمر به بالای شانه راست کشیده می شود. مترجم) و چکمه های سواره نظام ترکی بودند.¹⁵⁰

قبایل پشتون عمیقاً از تلاش امیر برای دموکراتیزه کردن سیستم سربازگیری از طریق عمومیت بخشیدن آن دلخور بودند،¹⁵¹ و در واقعیت با هر نوع سربازگیری مخالفت نشان میدادند. بنابر این علت و هم چنین بنا بر علاقه شخصی امیر به ارتشی که فراتر و بالاتر از وفاداری قبایلی و فیودالی باشد، سربازگیری بیشتر از بین اقلیت های اتنیک صورت گرفت.¹⁵² دوره خدمت معمولاً دو سال بود. قویترین عناصر اقتصاد افغانستان تجارت و کارخانه های دولتی بودند، بنابرین امان الله چند کارخانه جدید تاسیس نمود که مهمترین آنها کارخانه صابون و کبریت (گوگرد) می باشند و وسایل با کمیت خیلی زیاد از جاپان و آلمان وارد نمود.¹⁵³ پیشرفتهای اقتصادی واقعی در این دوره کم صورت گرفت، در گام نخست به دلیل عدم برنامه سیستماتیک برای توسعه صنعت انواع و اقسام ماشین ها سفارش داده می شدند، اما هنگامی که می رسیدند، هیچ کس نمی فهمید که از آنها چطور استفاده کند: افغانستان به مقبره ماشین آلات و کارخانه جات غیرقابل استفاده شده تبدیل شده بود. هیچ پروژه صنعتی در افغانستان در سال 1920 به انجام نرسید و هیچگونه دستاورد زراعتی با اهمیت در این دوره به چشم نمی خورد.¹⁵⁴ تا آنجا که مربوط به تجارت می شود، مالیات گمرکی ناهمگون بود و پیوسته یک مانع پاکباز بزرگتر می شد. آنهم با وجود تلاشهای امان الله برای از بین بردن سوء استفاده های آشکاری که در اخذ مالیات، مانند چهل-یک که با تحمیل یک چهل از بار، از وزن، از قیمت خرید، از تعداد اجناس، و یا از فی دانه گرفته می شد و عامل وسوسه انگیزی و اغوای افسران گمرک می گردید. ماموران گمرک با تخمین زدن قیمت کالا ها، چیزی بیشتر از ده درصد مالیات گمرکی از اجناس وارداتی می گرفتند.¹⁵⁵

عدم وزن و اندازه ثابت و استاندارد نیز باعث ترغیب و ترویج فساد می شد.^{*} در سال 1925 سیستم اعشاری و متریک را امیر مروج ساخت،¹⁵⁶ اما تلاش او برای کسب یک سیستمی تا اندازه ای استاندارد، فراتر از کارخانه های دولتی نرفت، امان الله گامهای چندی برای بهبود جریان تجارت و پایان دادن به فساد اداری در اداره گمرک برداشت. تمام واردات به سه کتله گوری تقسیم می شدند:

(1) نشرات مذهبی، اجناس جنگی و چند قلم دیگر از محصول آزاد بودند.
(2) مواد لوکس ساخت اروپا (منجمله ورق بازی، مرمر، سیگار، عکس، شکر، عسل) صد در صد محصول می شدند.

(3) مواد غیرلوکس که محصول گمرکی آن متفاوت بودند. جزء کتله گوری سوم جای بود که به آن 40 درصد محصول، لباس پوشیدنی که به آن 15 درصد محصول و کتله گوری «مواد مفید» مانند کفش، نفت، روغن و گاز که به آن 25 درصد محصول وضع شده بود.¹⁵⁷ (به قول یک منبع حتا تصاویر اقوام و خویشاوندان نیز محصول می شدند).¹⁵⁸ امیر «بازرگانان محترم و متمکن» را به حیث کارمندان گمرک منصوب کرد و به هر اداره گمرک قبضه رسید و برگه گزارش وضع کرد و تقلب کردن آن، تخلف جنایی پنداشته می شد.¹⁵⁹ بهر صورت این اقدام ها به مشکل علاج یک سیستم بسیار کهنه و قدیمی بود.

هر چند کالاهای که در کارخانه های دولتی تولید می شدند، در مقابل رقابت خارجی حفاظت می شدند، اما هیچگونه حفاظتی از کارگرهای صنایع دستی بومی نمی شد. با وجود محصول گمرکی زیاد، اجناس وارده غربی باز هم نسبت به صنایع دستی بومی ارزان بودند و صنعتگران بومی نمی توانستند که با آنها رقابت کنند.¹⁶⁰ نگرانی در مورد وضع بد صنعتگران بومی در نشریات مختلف مجدداً تاکید می شد، اما هیچگونه اقدامی برای بهبود وضع آنان صورت نگرفت.¹⁶¹ تنها تغییری که امان الله برای بهبود تجارت در افغانستان آورد، 5 درصد کاهش محصول بر حسب ارزش به کالاهای صادراتی و تجارت محلی (interregional) بود.¹⁶² در نبود تعرفه های گمرکی استاندارد و فقدان اطلاعات دقیق از ارزش اموال تجاری، اکثر اقدام ها دیگرش در این زمینه غیرمفید بود. پیشرفت بی تحرک بازرگانی افغانستان پیوسته از وضعیت غیردقیق گمرک متضرر می شد. آمار دقیق و کاملی از حجم تجارت در این دوره وجود ندارد. ارقام ذیل صرف یک تصویر کلی از تجارت آن زمان را نشان میدهد.

^{*} برای جزییات وزن ها و اندازه های متفاوتی که در کشور در سده 19 و 20 استفاده می شد به ضمیمه (ب) مراجعه شود.

تجارت افغانستان با هند¹⁶³
(به پوند سترلینگ)

سال	صادرات به هند	واردات از هند
1918-1919	1194000	2020000
1919-1920	1975000	1607000
1920-1921	1543200	1328500
1921-1922	809500	1353700
1922-1923	1606160	1575240
1923-1924	943350	1725850

تجارت با روسیه¹⁶⁴
(به روبل)

سال	صادرات به روسیه	واردات از روسیه
1923-1924	1314000	69000
1925-1926	3217000	2541000
1926-1927	4160000	3422000
1927-1928	6698000	6898000
1928-1929	11718000	11718000

پروژه پُراب و تاب اما تیره و تار مدرنیزاسیون امان الله به مراتب بیشتر از آن سرمایه را مطالبه میکرد، که سلطنت استطاعت آنرا داشته بوده باشد. در سال 1926 مالیات بر درآمد دولت شاهی افغانستان در حدود 45 ملیون افغانی (5،2 ملیون پوند) تخمین زده می شود.¹⁶⁵ به همان پیمانہ سیستم ارتباطات و ترانسپورت افغانستان برای سرمایه گذاران خارجی غیر جالب بود.¹⁶⁶ امیر با سرمایه گزاری بزرگ خارجی بهر صورت مخالفت میکرد.¹⁶⁷ این واقعیت همراه با عدم وجود قانون، حمایت از شرکتهای خارجی و کمبود امکانات بانکی و کریدت در افغانستان، دورنمای هر گونه سرمایه گذاری را خیلی مبهم و تاریک میکرد.

¹¹⁸ On Amanullah`s public health measures, see Katrak, pp. 47, 59; Caspani and Cagnacci, p. 135; L. Thomas, Kheyber Pass, p. 152; Berke, p. 7; and The Times, July 14, 1928.

¹¹⁹ I. A. Shah, Tragedy of Amaanullah, p. 171; Beck, pp. 132-33.

¹²⁰ Furon, L`Afghanistan, p. 101.

¹²¹ On Afghan communications under Amanullah and his plans, see L`Asie December 20, 1922; Fouchet, pp. 22, 58; L. Thomas, Kheyber Pass, p. 111; Katrak, p. 43; Nariman, p. 254.

¹²² Tenebre, p. 558.

¹²³ Reshtiya, „Kabul Calling,“ p. 1; see also Bagdanov, „Notes,“ p. 136.

¹²⁴ Pravda, October, 5, 1924.

¹²⁵ Izvestia, June 19, 1928; Pernot, L`iniquitude de l` Orient, p. 43.

¹²⁶ Pernot, L`iniquitude de l` Orient, p. 43; Pravda Vostoka, November 23, 1926.

- ¹²⁷ Izvestia, January 15, 1928, and June 27, 1928.
- ¹²⁸ L'Asie Francaise, September-October 1928, p. 307.
- ¹²⁹ Pernot, L'inquitude de l' Orient, p. 36; Taillardat, „Amanullah en Angleterre,“ p. 186
- ¹³⁰ Furon, L'Afghanistan, p. 99.
- ¹³¹ MacMunn, From Darius to Amanullah, p. 307.
- ¹³² Wild, p. 89.
- ¹³³ Ittifaq-i- Islam, October 1923; Foucht, p. 43; Pernot, L'inquitude de l' Orient, pp. 26ff.
- ¹³⁴ „Afghanistan INDEPENDENT DAY;2 P:500.
- ¹³⁵ Reshtiya, „Education,“ pp. 20-21.
- ¹³⁶ Fouchet, p. 57.
- ¹³⁷ Fazli, p. 65.
- ¹³⁸ I. A. Shah. Afghanistan, p. 249.
- ¹³⁹ Bek, p. 95.
- ¹⁴⁰ Ibid, pp. 96,98.
- ¹⁴¹ For the provisions of customary law regarding the status and rights of women, see Rose, „Customs.“ For information on the blood money, or „make up money,“ prescribed by the customary law and practiced among the Waziri late-e hughghi,“ pp. 341-58), in cases involving adultery or murder the tribal code as well as Sharia law had to be consulted.
- ¹⁴² The Times, November 21, 1922.
- ¹⁴³ For a summary of the provisions, see Yapp, „Afghanistan,“ p. 55. There is also a summary available in Oriente Moderno, IV (1924), 3, 196-99. For the full text in Arabic, see Al-Akhbar (Cairo), January 28, 1924.
- ¹⁴⁴ See Taillardat, „Amanullah en Agleterre,“ p. 186; I. A. Shah, Afghanistan, pp. 248-49;Karimi, „Constitution,“ p. 3.
- ¹⁴⁵ James, p. 191.
- ¹⁴⁶ Wild, p. 99; MacMunn, From Darius to Amanullah, p. 318. The estimated total strength of the Afghan army in 1920 was 98000, including 18000 cavalymen. There were also some 396 guns. In 1928, the strength of the regular army was set at 26000. See Statesman's Yearbook: p. 657, and 1928, p. 644.
- ¹⁴⁷ Caspani and Cagnacci, p. 135; Pernot, L'inquitude de l'Orient, p. 41.
- ¹⁴⁸ L'Asie Francaise, September-October 1928, p. 322, and January 1929, p. 18; Terjiman-i-Haqiat (Istanbul), June 18, 1922; MacMunn, From Darius to Amanullah, p. 99.
- ¹⁴⁹ Iybar, p. 99.
- ¹⁵⁰ L. Thomas, Khyber Pass, p. 111.
- ¹⁵¹ I. A, Shah, Tragedy of Amanullah, pp. 183-84.
- ¹⁵² MacMunn, From Darius to Amanullah, p. 330.
- ¹⁵³ Furon, L, Afghanistan, pp. 89, 91.
- ¹⁵⁴ Rhein and Ghaussy, p. 21.

¹⁵⁵ I. A, Shah, *Tragedy of Amanullah*, p. 162. On Afghan tariffs, see also *The Times*, May 25, 1922; and Abdul Ghani, p. 285.

¹⁵⁶ Bogdanov, „The Metric System in Afghanistan,“ *The Visva-Bharati Quarterly*, July 1928, and „Afghan Weights,“ pp. 419-35.

¹⁵⁷ I. A, Shah, *Tragedy of Amanullah*, pp. 162-63; Katrak, p. 36.

¹⁵⁸ Trinkler, pp. 51-52.

¹⁵⁹ I. A, Shah, *Tragedy of Amanullah*, pp. 163-70, especially pp. 164-69, which include the Amir`s decree on customs reforms.

¹⁶⁰ Wild, pp. 51-52.

¹⁶¹ Fouchet, pp. 105-8.

¹⁶² I. A, Shah, *Tragedy of Amanullah*, p. 163.

¹⁶³ See *Statesman`s Yearbook*: 1921, p. 664; 1923, p. 685; 1925, p. 657. In 1925 the government of India`s statistical department ceased to publish the figures on foreign trade over the land frontier.

¹⁶⁴ See Violet Conolly, *Soviet Economic Policy in the East*, London, 1933, pp. 82-83; *Ekonomicheskaiia Zhizn*, February 21, 1925; *Izvestia*, January 8, 1928.

¹⁶⁵ MacMunn, *From Darius to Amanullah*, p. 312. *Statesman`s yearbook*: 1927, p. 641, estimated the total revenues of Afghanistan in 1927 to be 50 million Afghan rupees.

¹⁶⁶ Joseph Potocki, p. 114.

¹⁶⁷ See an interview with Mahmud Tarzi in *Izvestia*, October 18, 1924; See also I. A, Shah, *Afghanistan*, p. 238.